

فارن پالیسی در مقاله‌ای به بررسی علل شکست و فروپاشی توافق آتش‌پس تنگه هرمز میان ایالات متحده و ایران می‌پردازد. نویسنده استدلال می‌کند که کاخ سفید به دلیل عدم درک درست یا بی‌توجهی به جزئیات متنی که امضا کرده بود، باعث نابودی این توافق شد. در این تحلیل آمده است که متن توافق بسیار کوتاه، مبهم و دارای ایرادات ساختاری جدی بوده که به ایران اجازه داده تا اقدامات خود در کنترل تنگه هرمز را بر اساس متن قانونی جلوه دهد، در حالی‌که ایالات متحده با واکنش نظامی خود عملاً توافق را نقض کرده است؛ امری که سایه سنگینی بر آینده ثبات در این آبراه حیاتی و هرگونه مذاکره پیش‌رو می‌اندازد.

دیوید ریکو (David Raikow)، مشاور سیاسی متخصص در حوزه مناقشات مسلحانه و دیپلمات سابق سازمان ملل متحد

در کشورهای سودان، سودان جنوبی، لیبی و افغانستان در مقاله‌ای برای نشریه فارن پالیسی می‌نویسد: وقتی صحبت از توافقات صلح و آتش‌پس می‌شود، جزئیات اهمیت حیاتی دارند. این قاعده البته برای هر قرارداد بین‌المللی صادق است، اما زمانی که پای مناقشات مسلحانه در میان باشد، فقدان اعتماد یا حسن نیت میان طرفین، هیچ مجالی برای خطا یا بی‌دقتی باقی نمی‌گذارد. متن امضاشده یک توافق، حتی اگر هرگز به هیچ نهاد قضایی ارجاع نشود، تنها راه برای تعیین دقیق آن چیزی است که طرفین واقعاً بر سر آن توافق کرده‌اند.

در توافق سال ۲۰۲۰ میان آمریکا و طالبان، طالبان وعده داد که «تا سقف پنج هزار (۵۰۰۰) زندانی» را آزاد کند و سپس بلافاصله حملات خود را به طور خاص افزایش داد تا زندانیان بیشتری را برای آزاد کردن دستگیر کندپیش از ادامه بحث، یک نکته را باید متذکر شد. همانطور که اغلب در توافقات بین‌المللی رخ می‌دهد، مسائل مربوط به ترجمه یک نگرانی عمده است. بر اساس تصاویر منتشر شده توسط رسانه‌های دولتی ایران، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، هر دو نسخه انگلیسی و فارسی متن را امضا کرده‌اند. ارزیابی من در اینجا بر اساس اسکن متن انگلیسی امضاشده است که توسط کاخ سفید منتشر شد. با این حال، در صورت نبود بند خاصی در توافق، هر دو نسخه به یک اندازه رسمی و نافذ هستند و بدون مقایسه دقیق این دو توسط یک مترجم واجد شرایط، راهی وجود ندارد که بفهمیم چه تفاوت‌هایی با هم دارند و این تفاوت‌ها چقدر ممکن است بزرگ باشند.

حتی در یک زبان واحد نیز تفاوت‌های کوچک در جمله‌بندی، ساختار یا ترتیب عبارات می‌تواند عواقب مبرکبار یا حیاتی داشته باشد. هرگونه ابهامی، در را به روی اختلاف نظر درباره تفسیر متن باز می‌کند. به عنوان مثال، در توافق سال ۲۰۲۰ میان آمریکا و طالبان، طالبان وعده داد که «تا سقف پنج هزار (۵۰۰۰) زندانی» را آزاد کند و سپس بلافاصله حملات خود را به طور خاص افزایش داد تا زندانیان بیشتری را برای آزاد کردن دستگیر کند!

اینکه تیم‌هایی از مذاکره‌کنندگان باسابقه، متخصصان و کارشناسان موضوعی ماه‌ها وقت بگذارند تا درباره هر ویروگل و نقطه‌ویرگول در متن یک توافق‌نامه صلح یا آتش‌پس طولانی بحث کنند اصلاً غیرعادی نیست؛ برای نمونه، توافق‌کننده جامع صلح سال ۲۰۰۵ میان سودان و جنبش/ارتش آزادی‌بخش خلق سودان که ۲۵۹ صفحه بود، شامل یک ضمیمه ۵۰ صفحه‌ای فقط برای اجرای ترتیبات آتش‌پس



و مسائل امنیتی می‌شد.این سطح از مراقبت و وسواس، در پاسخ به درس‌های سختی شکل گرفته که در طول تاریخ آموخته شده است؛ درس‌هایی که در جریان مذاکرات منجر به توافق میان آمریکا و ایران نادیده گرفته شدند. این فرآیند با هر معیاری که سنجیده شود، متنی عمیقاً معیوب ایجاد کرده است. این متن بسیار کوتاه است (نسخه رسمی و امضاشده به زبان انگلیسی کمی بیش از دو صفحه است) و عبارات آن مبهم، دوپهلو و اغلب نامفهوم هستند.حتی همان اولین کلمات متن، پیش‌درآمدی بر مشکلات آینده است؛ طرفین هر اسمی که می‌خواهند روی آن بگذارند، اما این توافق به هیچ وجه یک «یادداشت تفاهم» (که طبق تعریف، امضاکندگان قصد دارند آن را غیرالزام‌آور کنند) محسوب نمی‌شود. اگرچه نکات شفافی در آن وجود دارد، اما ابهامات و زبان تقریباً غیرقابل رمزگشایی حتی در مهم‌ترین عناصر توافق نیز دیده می‌شود. عناصری که معمولاً برای این دست توافقات حیاتی تلقی می‌شوند، مانند مکانیسم‌های نظارت و حل اختلاف، یا کاملاً غایب هستند یا آنقدر کوتاه به آن‌ها پرداخته شده که گویی وجود ندارند.

ایران استدلال معقولی دارد مبنی بر اینکه مفاد توافق را نقض نکرده است، حداقل تا زمانی که ایالات متحده شروع به حمله به اهدافی در داخل خاک ایران نکرده بودامکان ندارد بدانیم در ذهن مذاکره‌کنندگان، امضاکندگان یا مشاوران آن‌ها دقیقاً چه می‌گذاشته است. با این حال، به نظر می‌رسد که ایران به طور مشخص روی جمله‌بندی‌هایی مذاکره کرده که به این کشور فضا می‌دهد تا کنترل مدیریتی خود بر تنگه را اعمال کند و سپس برای اجرای آن اقدام کرده است. بند کلیدی در پاراگراف ۵ توافق آمده و به این شرح است: «جمهوری اسلامی ایران تمام تلاش خود را برای ایجاد ترتیباتی جهت عبور امن کشتی‌های تجاری، صرفاً به مدت ۶۰ روز و بدون دریافت هزینه، به کار خواهد بست.»

به نظر می‌رسد مذاکره‌کنندگان و رهبری ایالات متحده در درک (و احتمالاً اهمیت دادن به) این جزئیات ناکام ماندند و این امر منجر به تلاش‌های متناقض برای کنترل تنگه شد. ایران سپس از زور (که احتمالاً در چارچوب متن توافق گنجانده می‌شد) برای اجرای ترتیبات خود استفاده کرد و ایالات متحده با نقض توافق به آن پاسخ داد. اکنون هر دو امضاکندنده، دست‌کم به طور موقت توافق را کنار گذاشته و در حال تبادل حملات از راه دور هستند؛ وضعیتی که آن‌ها را از هرگونه راه حل پایدار دورتر کرده است.

ایران استدلال معقولی دارد مبنی بر اینکه مفاد توافق را نقض نکرده است، حداقل تا زمانی

## یادداشت سوءتفاهم

## چرا تفاهم‌نامه اسلام‌آباد دچار فروپاشی شد؟



که ایالات متحده شروع به حمله به اهدافی در داخل خاک ایران نکرده بود. هیچ کجای توافق الزام نکرده است که ایران باید به هر کشتی تجاری اجازه عبور از تنگه را بدهد. در واقع، زبان مربوط به «تناسب» در پاراگراف ۴ توافق به طور ضمنی تأیید می‌کند که ایران ممکن است این کار را انجام ندهد، حداقل برای ۳۰ روز اول توافق.

توافق تنها ایران را ملزم می‌کند که طبق پاراگراف ۵ ترتیبانی را برای عبور امن کشتی‌های تجاری اتخاذ کند، آن هم با زبانی بسیار متفاوت از بند پاراگراف ۴ که ایالات متحده را ملزم به «پایان کامل» محاصره بنادر ایران می‌کند. بر خلاف چندین بند در پاراگراف‌های دیگر، در این متن نیازی به توافق متقابل یا رضایت طرفین بر سر این ترتیبات دیده نمی‌شود. همچنین هیچ جزئیات بیشتری درباره اینکه این ترتیبات شامل چه مواردی می‌شود، چگونه باید اجرا شوند یا محدودیت‌های ایران در نحوه اجرای آن‌ها چیست، وجود ندارد.به نظر می‌رسد ایران واقعاً ترتیباتی را اتخاذ کرده که با ظاهر و متن توافق مطابقت دارد. این ترتیبات مستلزم آن است که همه کشتی‌ها (۱) برای دریافت مجوز عبور از «سازمان تنگه خلیج فارس» (PGSA) درخواست داده و آن را دریافت کنند، و (۲) فقط از کریدورهای عبوری تأیید شده توسط ایران در تنگه که از آب‌های سرزمینی ایران می‌گذرد، استفاده کنند. اگرچه اعتراضات آشکاری به این الزامات وجود دارد، اما این موارد به خودی خود هیچ بندی از توافق را نقض نمی‌کنند.هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم ایالات متحده یا هر قدرت دیگری، هم تمایل و هم توانایی این را دارد که تنگه هرمز را بدون رضایت ایران به زور باز نگه دارد؛ هر راهی به سوی یک حل‌وفصل پایدار برای این بحران در نهایت باید به میز مذاکره ختم شودتوافق همچنین به طور صریح هرگونه استفاده ایران از زور علیه کشتی‌های تجاری را منع نمی‌کند. (نقض احتمالی قوانین بین‌المللی دریایی موضوع جداگانه‌ای است و با توجه به اینکه ایران خود را متعهد به کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل متحد نمی‌داند، در حالی که ایالات متحده خود را متعهد به بخش‌هایی از آن و نه همه آن می‌داند، این مسئله پیچیده‌تر از آن است که به نظر می‌رسد.) پاراگراف اول توافق، امضاکندگان را از استفاده از زور علیه یکدیگر منع می‌کند، اما درباره استفاده از زور علیه شخص ثالث چیزی نمی‌گوید.

تمام حملات گزارش‌شده ایران به کشتی‌ها تا به امروز، کشتی‌هایی را هدف قرار داده‌اند که تلاش می‌کردند خارج از کریدور تأیید شده توسط ایران (و احتمالاً بدون مجوز سازمان تنگه) عبور کنند. اگر ایران در تلاش برای

## بین الملل

## یادداشت سوءتفاهم

## چرا تفاهم‌نامه اسلام‌آباد دچار فروپاشی شد؟

اجرای ترتیبانی است که توافق صراحتاً را او

خواسته، پس می‌توان استدلال کرد که استفاده از زور تا حدی با متن همخوانی دارد.

در مقابل، به نظر می‌رسد ایالات متحده تلاش‌های مشخصی انجام داده تا کنترل مدیریتی ایران بر تنگه را سلب کند. «مرکز مشترک اطلاعات دریایی» (بخشی از نیروهای دریایی مشترک تحت رهبری آمریکا) از زمان امضای توافق، بارها به کشتی‌های تجاری توصیه کرده است که از کریدورهای عبوری غیر از مسیر تأیید شده توسط ایران استفاده تحریم‌های دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا (OFAC) علیه سازمان تنگه خلیج فارس (PGSA) به عنوان بخشی از توافق لغو نشد و این دفتر هشدار داده است که «هرکسی با این سازمان موسوم به سازمان تنگه همکاری کند» ممکن است «در معرض خطر تحریم قرار گیرد». توافق صراحتاً این اقدامات آمریکا را ممنوع نمی‌کند، اما به وضوح هرگونه استفاده ایالات متحده از زور علیه خاک یا دارایی‌های ایران را ممنوع کرده است.

با توجه به همه این شرایط، کاملاً باورکردنی است که رهبری ایران صادقانه معتقد باشد که به سهم خود در توافق عمل کرده و این ایالات متحده‌بوده که بخش‌های مهمی از آن را نادیده گرفته است. ایالات متحده احتمالاً زمانی به این ذهنیت دامن زد که ترامپ تقریباً بلافاصله، ممنوعیت صریح و آشکار توافق در مورد «تهدید به استفاده از زور» را نادیده گرفت. این موضوع یک منطق منسجم برای تقریباً تمام قدم‌هایی که ایران از اواخر ژوئن برداشته است فراهم می‌کند. همچنین به نظر می‌رسد رهبری ایران پیام‌رسانی عمومی و هماهنگی را بر پایه این مفاد مشخص پیش برده است، نه صرفاً بر اساس اتهاماتش در مورد بدعهدی آمریکا. هیچ‌یک از این مطالب به معنای دفاع از ایران یا رفتار آن نیست. کل این توافق همانطور که نوشته شده عمیقاً معیوب‌است و شاید هماهنگ کردن آن با دیگر عناصر حقوق بین‌الملل بسیار دشوار یا غیرممکن باشد. علاوه بر این، دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد مذاکره‌کنندگان ایرانی نیز عناصر کلیدی، حداقل در نسخه انگلیسی متن را اشتباه فهمیده است. به عنوان مثال، مفاد توافق در مورد لبنان برای اسراییل الزام‌آور نیست و به ایالات متحده آزادی عمل زیادی می‌دهد، در حالی که مفاد مربوط به رفع موقت تحریم‌ها، اقدامات دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) را پابرجا باقی گذاشته که در عمل بخش زیادی از آن رفع تحریم‌ها را بی‌اثر کرد.

در هر صورت، برداشت ایران از این فرآیند، سایه سنگینی بر هرگونه تلاش آینده برای مدیریت این مناقشه و بازگشایی تنگه می‌اندازد. هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم ایالات متحده یا هر قدرت دیگری، هم تمایل و هم توانایی این را دارد که تنگه هرمز را بدون رضایت ایران به زور باز نگه دارد؛ هر راهی به سوی یک حل‌وفصل پایدار برای این بحران در نهایت باید به میز مذاکره ختم شود. بدون داشتن این باور که متن مکتوب یک توافق دارای ارزش است، حتی کوچک‌ترین گام‌های مقدماتی به سمت آن میز می‌تواند به شدت دشوار باشد. مقابله با این چالش‌ها — در کمترین حالت ممکن — نیازمند درک کامل اتفاقات اشتباهی است که تاکنون رخ داده و خطرات ناشی از مذاکرات بی‌دقت در آینده است.

### هدف قرار گرفتن آب‌شیرین‌کن و نیروگاه برق کویت

کویت از هدف قرار گرفتن یک نیروگاه و آب شیرین کن در جریان حملات صبح امروز خبر داد. سازمان برق کویت اعلام کرد که در جریان حمله ایران به یک نیروگاه برق دیگر طی صبح امروز آتش سوزی به راه افتاد و خسارت هایی نیز برجای ماند.

این سازمان همچنین از هدف قرار گرفتن یک آب شیرین کن در جریان این حملات خبر داد. لازم به ذکر است که کشور کویت نیز مانند دیگر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با پذیرش پایگاه های آمریکایی تبدیل به مبدأ تجاوز علیه ایران شده اند و با تروریست های آمریکایی برای هدف قرار دادن زیر ساخت های شهری و غیرنظامی ایران به صورت کامل همکاری می کنند.

### انتقاد نانسی پلوسی از ۷۳ میلیارد دلار بودجه جنگ ترامپ

نانسی پلوسی به ایجاد از بودجه جدید دولت ترامپ برای جنگ با ایران نوشت: بودجه‌ای که ۷۳ میلیارد دلار دیگر را صرف جنگ‌های بی‌پایان ترامپ می‌کند، آن هم در شرایطی که خانواده‌های کارگر برای تأمین مخارج زندگی خود با دشواری دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

نانسی پلوسی، رئیس پیشین مجلس نمایندگان آمریکا، از بودجه پیشنهادی دونالد ترامپ و جمهوری‌خواهان به‌شدت انتقاد کرد و آن را طرحی با رویکرد «آمریکا در اولویت آخر» خواند. او استدلال کرد که اولویت‌های بودجه‌ای دولت و جمهوری‌خواهان به جای پاسخگویی به مشکلات اقتصادی خانواده‌های آمریکایی، بر افزایش هزینه‌های نظامی و جنگ متمرکز شده است.

پلوسی در پیامی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت که دونالد ترامپ پیش‌تر در ماه آوریل گفته بود: «نمی‌تواند نیازهای آمریکایی‌ها را برآورده کند، زیرا «ما درگیر جنگ هستیم». او در ادامه افزود: «اکنون جمهوری‌خواهان با بودجه جدیدی که شعار «آمریکا در اولویت آخر» را تداعی می‌کند، همان رویکرد را در پیش گرفته‌اند؛ بودجه‌ای که ۷۳ میلیارد دلار دیگر را صرف جنگ‌های بی‌پایان ترامپ می‌کند، آن هم در شرایطی که خانواده‌های کارگر برای تأمین مخارج زندگی خود با دشواری دست‌وپنجه نرم می‌کنند.»

چاک شومر، رهبر اقلیت دموکرات در سنای آمریکا، پیش‌تر ترامپ را به نداشتن راهبرد مشخص در قبال درگیری با ایران متهم کرده و هشدار داده بود که ادامه یک عملیات نظامی طولانی‌مدت، هم نیروهای آمریکایی را در معرض خطر قرار می‌دهد و هم هزینه‌های زندگی خانواده‌ها را افزایش می‌دهد.

الیزابت وارن، سناتور دموکرات از ماساچوست، نیز با طرح افزایش بودجه نظامی به بیش از یک تریلیون دلار مخالفت کرده و استدلال کرده بود که چنین افزایشی می‌تواند به کاهش منابع مالی بخش‌هایی مانند مراقبت‌های بهداشتی، مسکن، آموزش و برنامه‌های مقابله با تغییرات اقلیمی منجر شود.

پیت بوتیجیچ، وزیر پیشین حمل‌ونقل آمریکا، نیز بودجه پیشنهادی ترامپ را به دلیل اولویت دادن به جنگ‌های خارجی بر



نیازهای داخلی مورد انتقاد قرار داد و گفت افزایش هزینه‌های جنگ، زندگی شهروندان آمریکایی را دشوارتر خواهد کرد.

نین الیسا اسلاتکین، سناتور دموکرات از ایالت میشیگان، به‌طور جداگانه از هزینه‌های پیشنهادی برای ساخت سالن رقص در کاخ سفید و همچنین «صندوق تسلیحاتی» انتقاد کرد و گفت این منابع می‌توانست صرف پروژه‌های زیرساختی، بهداشت عمومی و آموزش شود.

در همین حال، اوایل ماه جاری، مارک روته، دبیرکل ناتو، به موضوع «تریلیون ترامپ» اشاره کرد؛ اصطلاحی که به تعهد متحدان ناتو برای اختصاص بیش از ۱.۲۱ تریلیون دلار هزینه دفاعی اضافی از زمان نخستین دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ اطلاق می‌شود.

بر اساس این گزارش، انتظار می‌رود افزایش بودجه دفاعی به سود شرکت‌های بزرگ صنایع نظامی آمریکا، از جمله «لاکهید مارتین» (Lockheed Martin)، «آرتی‌اکس» (RTX)، «بونینگ» (Boeing) و «نورثروپ گرومن» (Northrop Grumman) باشد.

دونالد ترامپ همچنین از کنگره خواسته است بودجه دفاعی را افزایش داده و «قانون نجات آمریکا» (SAVE America Act) را تصویب کند. او خواستار آن شده است که طرح «آشتی ۳۰۰» (Reconciliation ۳۰۰)، که شامل ۳۵۰ میلیارد دلار بودجه دفاعی است، در اولویت قرار گیرد. ترامپ در دفاع از این رویکرد، ضمن تمجید از قدرت نظامی ایالات متحده، آمار جذب نیرو و روحیه ارتش، استدلال کرده است که این اقدامات به حفاظت از نسل‌های آینده آمریکا کمک خواهد کرد.

### برای سومین روز متوالی هیچ نفتکشی از تنگه هرمز عبور نکرد

### جهان را رصد می‌کند اعلام کرد که برای سومین روز متوالی هیچ نفتکشی از تنگه هرمز عبور نکرده است.

جهان را رصد می‌کند اعلام کرد که برای سومین روز متوالی هیچ نفتکشی از تنگه هرمز عبور نکرده است. خودداری شرکت‌های باربری از عبور دادن کشتی‌هایشان از تنگه هرمز پس از فروپاشی یادداشت تفاهم امضا شده بین آمریکا و ایران و از سرگرفته شدن حملات به کشتی‌های تجاری، موجب کاهش شدید رفت و آمد کشتی‌ها از تنگه هرمز شده است. شرکت کپلر که حرکت کشتی‌ها در جهان را رصد می‌کند اعلام کرد که برای سومین روز متوالی هیچ نفتکشی از تنگه هرمز عبور نکرده است. به گزارش از الجزیره، با تداوم تنش‌ها و حملات متقابل ایران و امریکا در جنوب ایران، شرکت کپلر خبر داد که برای سومین روز متوالی هیچ نفتکشی از تنگه هرمز عبور نکرده است. شرکت کپلر که حرکت کشتی‌ها در جهان را رصد می‌کند اعلام کرد که برای سومین روز متوالی هیچ نفتکشی از تنگه هرمز عبور نکرده است. به گزارش از الجزیره، با تداوم تنش‌ها و حملات متقابل ایران و امریکا در جنوب ایران، شرکت کپلر خبر داد که برای سومین روز متوالی هیچ نفتکشی از تنگه هرمز عبور نکرده است. شرکت کپلر که حرکت کشتی‌ها در جهان را رصد می‌کند اعلام کرد که برای سومین روز متوالی هیچ نفتکشی از تنگه هرمز عبور نکرده است.

### عربستان در خدمت پروژه های آمریکایی – صهیونیستی است

نظامی و محاصره سیاسی که در طول سال‌ها علیه یمن انجام داده، گفت که ریاض در تلاش است از مسئولیت مستقیم خود در قبال تجاوز به یمن شانه خالی کند. الفرح این اقدامات را فاقد پرداختن به جوهر اصلی مسئله یمن و دور از خواسته‌های مردم دانست و ریاض را متهم کرد که می‌کوشد رنج یمنی‌ها را در اقدامات محدود خلاصه کند؛ در حالی که مسئله اصلی مرتبط با پایان دادن به تجاوز، رفع محاصره و احترام به حاکمیت یمن است.تین عضو ارشد انصارالله تأکید کرد که تحقیر مردم یمن و حقوق آنان، تعرض به کرامت ملی است و مواضع مردمی و رسمی که این امر را رد می‌کنند، نشان‌دهنده پابندی یمنی‌ها به حقوق و حاکمیت‌شان است.عضو دفتر سیاسی انصارالله خاطرنشان کرد که نیروهای مسلح یمن در حالت آماده‌باش هستند و مرحله آینده شاهد تحولات میدانی در چارچوب مقابله با تجاوز خواهد بود. وی ضمن ابراز اطمینان از تحقق پیروزی، تأکید کرد که رژیم سعودی «تبعات سیاست‌های خود در قبال یمن را خواهد دید.»

یک عضو ارشد انصارالله یمن گفت که عربستان امکانات سیاسی، مالی و نظامی خود را در خدمت پروژه های آمریکا در منطقه قرار داده و برای تضعیف ملت‌هایی که مواضع ضد اسرائیل را دارند، تلاش می‌کند. الفرح در سلسله توییت‌هایی در صفحه شخصی خود در پلتفرم «ایکس» افزود: ریاض با یمن نه به عنوان یک کشور مستقل که حق اتخاذ تصمیمات خود را دارد، بلکه از دیدگاه قیومیت رفتار می‌کند. وی این رویکرد را نشان‌دهنده بی‌احترامی به مردم یمن و کرامت آن‌ها دانسته و آن را امتدادی از سیاست‌های تجاوز و محاصره‌ای دانست که سال‌هاست ادامه دارد.وی با اشاره به اینکه رژیم سعودی با وجود حملات

قربانیان پرونده اپستین پس از دیدار با «تاد بلانچ»، سرپرست دادستانی آمریکا، این دیدار را «توهین‌آمیز» و «نمایشی» برای جلب آرای اعضای مجلس سنا برای تأیید صلاحیتش دانستند.

وب‌سایت آمریکایی اکسیوس، در گزارشی نوشت که بسیاری از قربانیان تجاوزات پرونده جفری اپستین اعلام کردند که جلسه که با «تاد بلانچ»، سرپرست دادستانی آمریکا در روز پنجشنبه گذشته برگزار شد، بیشتر شبیه به یک تشریفات اداری بود تا یک گفتگوی بنیادین و جدی.

قربانیان معتقدند بلانچ زمان زیادی را صرف طفره رفتن کرد و تنها برای جلب رضایت «تام تیلس»، سناتور جمهوری‌خواه، با برگزاری این جلسه موافقت کرده بود؛ چرا که این سناتور، برگزار ای جلسه با قربانیان را شرط رای مثبت خود برای تأیید صلاحیت بلانچ در کمیته قضایی اعلام کرده بود.

اکسیوس در گزارش خود نوشت که این نشست برای بلانچ، گامی ضروری جهت قطعی

# جنجال جدید در پرونده قربانیان اپستین

کردن آرای لازم برای تصدی ریاست دستگاه قضایی در کشور بود؛ اما برای قربانیان، این رویداد لحظه‌ای تاریخی در مسیر طولانی‌مدت آن‌ها برای دستیابی به عدالت محسوب می‌شد. بر اساس این گزارش، رای مخالف حتی یکی از جمهوری‌خواهان در کمیته قضایی سنا (جایی که تیلس در آن عضویت دارد) می‌توانست پرونده نامزدی بلانچ را متوقف کند.

«آنی فارمر»، از قربانیان پرونده اپستین گفت که بلانچ «گستاخ، متکبر و بی تعهد نسبت به قربانیان» بوده است و رفتار او با اظهارات عمومی بلانچ در جلسه استماع تأیید صلاحیتش، تضاد آشکاری دارد.

«دانی پینسکی»، از دیگر قربانیان این پرونده، در مصاحبه با «MS NOW» گفت: با وجود اینکه قبلاً کورسوی امیدی داشتم، اما این نشست اصلاً نتیجه‌بخش نبود. «الیزابت اشتاین»، دیگر قربانی این پرونده نیز در همسویی با سایر قربانیان در مصاحبه‌ای گفت: کل ماجرا فقط برای این بود که بلانچ بتواند ارتقای شغلی بگیرد. این موضوع هیچ